

# جلب مهاجرین اروپائی

درسال ۱۲۴۲

- ۴ -

نتیجه سیم اینست که نواب والا نایب السلطنه ایران عباس میرزا حق داشته باشند درینکه چند نفر معلوم از جوانان ایران مامور فرمایند که بآبادی تازه بروند و در مدرسهای نظام و غیره کسب علم و آداب کنند و معلمین و مدرسین آنجا دیناری باسم اجرت و حق التعلیم و حق السعی از آنها مطالبه ننمایند و مادامی که آبادی تازه موجودست همین حق باحضرت نواب نایب السلطنه عباس میرزا و ولیمهد ایشان بوده باشد و دیگران درین حق مدخلیتی نداشته باشند.

و نواب نایب السلطنه و ولیمهد ایشان قراری بدهند که هرچه مدد معاش و مایحتاج از قبیل لباس و خوراکست بآن جوانان برسد.

و نیز هرچه از کتاب و اسباب و آلات که برای پیشرفت تحصیل آنها مصرف دارد قیمت آنها را بدهند و وقتی که فارغ از خدمت می شوند و می خواهند که بر سر خدمت خود مراجعت نمایند همان اسباب و آلات همراه خود ببرند که در معنی در ازاء زحمت آنها از سرکار والا نایب السلطنه العلیه انعامی مرحمت شده که اسباب کار آنها بوده باشد.

۳۸۳

اگر چنانچه نواب والا نایب السلطنه این شرایط را مراعات و تقویت فرمایند اهل آبادی تازه بجان و دل راغب می شوند همیشه بدون توقع حق السعی و حق التعلیم از جوانان ایران متوجه بوده در هر علمی از علوم و صنایع تعلیم نمایند، دستور العمل آن بوضعی که شایسته احوال آبادی تازه بوده باشد اینست: از آن روز که مدرسهها تمام می شود تا بمدت سه سال اول شش نفر از جوانان ایران بحکم نواب والا در آن مدرسهها تعلیم نمایند و بهمین قرار در هر سه سال سه نفر دیگر علاوه نمایند تا اینکه بیست و پنج که آن بیست و پنج نفر حد آنست که همیشه در مدرسهها و غیره از قراری که نوشته شده توقف داشته تعلیم بگیرند و اگر زیادتر از آن بیست و پنج نفر طالب باشند که در مدرسهها تعلیم بگیرند باید حق السعی و حق التعلیم بدهند و اگر چه این جوانان مادام توقف درین آبادی تازه می باید بنا بر طریق اهل آنجا رفتار نمایند مع هذا احدی بامذهب و دین و شریعت آنها رجوعی باید نداشته باشد و هرچه لازمه مذهب آنهاست از آن فرار عمل نمایند و نه احدی از اهل فرنگستان درین صدد خواهد شد که آنها و یا اینکه سایر اهل ایران را که در آبادی تازه سکنی خواهد

داشت بمذهب عیسوی بگردانند بلکه هرکس هر مذهب و دینی که دارد در آن دین مستقیم بوده و احدی بمذهب دیگری رجوع نداشته باشد .

نتیجه چهارم اینکه از هرکسی که از اهل این آبادی تازه در بعضی ولایات ایران که در تصرف این آبادی تازه نیست تقصیری و یا خیانتی صادر شود اورا باید بقاعده و قانون اهل ایران تنبیه نمایند و آن شخص هر که باشد جواب تقصیر خودش را باید خود بدهد و اهل آبادی حرفی در آن نخواهد داشت ولیکن چون نیکو بود امور این آبادی تازه و آرام و آسودگی اهل آنجا بعهده کارگزاران آبادی تازه می باشد و در هر عیب و نقص جواب نواب والا نایب السلطنه با آنهاست لذا لازمست که هر یکی از اهل ایران در میان این ولایت تقصیر می کند اورا بنزد هر حاکمی از حکام ایران که نزدیک و دسترسست فرستند بشرطی که آن حاکم بنا بر قاعده و قانون ایران اورا تنبیه نماید و از هر ضرر و خسارت که از او باهل آبادی تازه رسیده اصلاح دهد ، بلکه تدارک و علاج آنرا نماید .

نتیجه پنجم اینست هر دولت و مملکت که با دولت ایران در جنگ و نزاع باشند اهل آبادی تازه بالمره قطع الفت با آنها نمایند و تا زمانی که نواب والا نایب السلطنه العلیه و ولیمهد ایشان قواعد و شرایطی که اصل مبنای این آبادی تازه در سر آنها قرار گرفته است در نظر داشته حفظ می نمایند و حکمی بخلاف آنها صادر نمیکنند تا آن زمان هر کدام از دول خارجه که در آشکار با دولت ایران بمقام مجادله و منازعه برآمده باشند درین حال اگر چنانچه اهل آبادی تازه با آن دول خارجه طرح موافقت اندازند مجرم و مخاطب بوده باشند و بترجمان ایدنگونه بی وفائی ملک آنها که عبارت از همین آبادی تازه بوده باشد ضبط سرکار شود ، بملت آنکه مقصود و منظور اصلی از بنای این قسم آبادی اینست که دائم الاوقات سوای نفعهای دیگر دوستی و اتحاد در مابین دولت ایران و انگلیس و الفت اهل این دو مملکت روز بروز زیادتر شود نه اینکه خلاف آنها بعمل آید .

نتیجه ششم اینکه هر محصولی که در ایران بهم میرسد اگرچه آنها در ایران چندان قیمت نداشته و یا اینکه هیچ مصرف برای آنها ندانند ولیکن اهل آبادی تازه بزور علوم و صنایع آنها را بکار میبرند و بعضی آنها اهل ایران را دولت و استطاعت می بخشند و قطع نظر ازین جمهور اهل ایران بزور هم چشمی نفعها خواهد دید حتی کارگران هم در آن اوقات که اجرت میگیرند و کار میکنند می خواهند کرد که در هر علم و صنعت خودشان را ماهر سازند و مثل اهل فرنک نفوق بر سایر اهل ممالک نمایند و این نفعها باعث میشود برینکه يك مملکت عظیم و وسیع سمت مشرق که از سایر ممالک برتر و بلندتر میباشد زنده شود و روشن

ضمیر گردد و یقینست که زیادتی مداخل هر مملکت نتیجه اینگونه تحصیل و ترقیست بعلت اینکه هر فرد از افراد مردم باین نوع تربیت یابد و ترقی نماید و همیشه برحمت و مشقت و تحصیل روزی عادت میکند هر عملی از روی فطانت می نماید روز بروز در دولت و مکنت و مداخل خواهد افزود و بجائی خواهد رساند که در هرباب تفوق و برتری بر سایر ولایات داشته باشد .

نتیجه هفتم اینست که اهل آبادی تازه هر معدنی که پیدا کرده و در آن معدن کار کنند سدس مداخل آنرا بکارگزاران نواب نایب السلطنه ایران بدهند و یقینست که این گونه مداخل برای ایران امر عظیمست بعلت اینکه هم اخراجات بسیاری دارد و هم ساختن دستگاه بجهت آب کردن و صاف نمودن معدنیات بسیار مشکلت ، بنسیرین ملاحظات محافظت چنین آبادی برای اهل ایران واجب و لازم خواهد بود .

### تفصیل صورت آبادانی که بهر کدام آنها در اصل و ترجمه بحروف تهجی و حساب هندسه رجوع شده است : مدرسه علوم و صنایع که متعلقش از قرار تفصیل ذیل باشد :

۳۸۵

- منزل نایب رئیس ، باب .
- اوطاق درس استدلال ، باب .
- کتابخانه بزرگ ، باب .
- اوطاق برای جمع نمودن اسباب حکمت طبیعی و معدنیات که برای نمونه ضرور میشود ، ک .
- جمع خانه نمونه های صنایع و سایر چیزها که در فرنک اختراع میشود ، س .
- باسمه و صحاف خانه برای جلد نمودن کتب ، م .
- تشریح خانه ، باب ، ن .
- جراح خانه ، باب .
- دستگاه چرم سازی ، باب .
- مکتب خانه برای اطفال فقرا ، باب .
- باغ برای تربیت گل و گیاه و حیوانات پر مصرف .
- جا برای تعلیم جوانان ایرانی .
- جا برای تعلیم جوانان آبادی تازه .

### مدرسه نظام که متعلقش از قرار تفصیل ذیل باشد :

- اوطاق رئیس و مدرس ، باب ، ث .